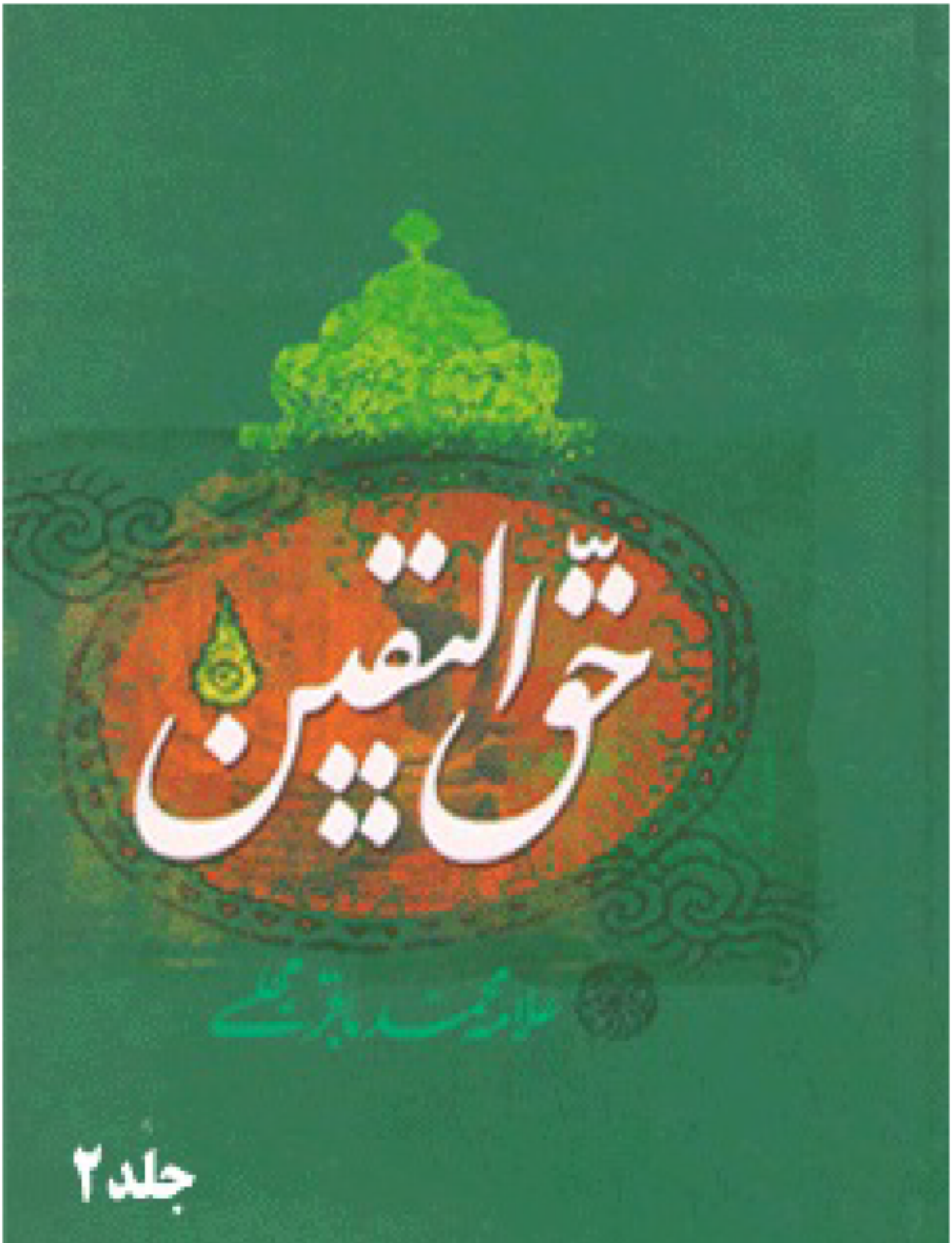

حق الیقین
علامہ محمد باقر مجلسی
جلد ۲

حق الیقین

نویسنده:

علامه محمدباقربن محمدتقی مجلسی (ره)

ناشر چاپی:

علمیه اسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بن کوا آمد و از آن حضرت تفسیر این آیه را سؤال کرد حضرت فرمود وای بر تو ای پسر کوا ما را در روز قیامت بازمی‌دارند در میان جنت و نار و هر که بما ایمان آورده و یاری ما کرده است می‌شناسیم او را بسیمای او و او را داخل بهشت میکنیم و هر که دشمن ما است می‌شناسیم او را بسیمای او و او را داخل جهنم میکنیم یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ یعنی آن مردانی که بر اعراف موکل‌اند که ما اهل بیتیم می‌شناسند جمیع خلایق را بسیمای ایشان اهل بهشت را بسیمای مطیعان و اهل جهنم را بسیمای عاصیان- و علی بن ابراهیم بسند کالصحیح از حضرت امام حق الیقین، ص: ۵۱۵ جعفر صادق ع روایت کرده است که اعراف موضع بلند چند است میان جنت و نار و رجال ائمه‌اند که می‌ایستند بر اعراف با بعضی از شیعیان خود در وقتی که مؤمنان کامل بی‌حساب به بهشت رفته‌اند پس میگویند باین شیعیان خود که گناهکارانند که نظر کنید بسوی برادران مؤمن خود که بی‌حساب داخل بهشت شده‌اند پس سلام میکنند بر ایشان و امیدوارند که بشفاعت ائمه بایشان ملحق گردند پس ائمه بایشان بگویند که نظر کنید بسوی دشمنان خود در جهنم چون نظر کنند استغاثه کنند که پروردگارا ما را بایشان ملحق مگردان پس ندا کنند ائمه آن جماعتی را که ایشان را بسیمای ایشان می‌شناسند از دشمنان خود که در جهنمند و گویند که فایده نبخشید بشما آنچه جمع کردید در دنیا از اموال ما و آنچه تکبر کردید بر ما و غصب حق ما کردید پس گویند که اینها شیعیان و برادران منند که شما سوگند یاد میکردید در دنیا که رحمت خدا شامل حال ایشان نخواهد شد پس گویند ائمه بشیعیان خود که داخل شوید در بهشت و بر شما خوفی و اندوهی نیست پس حقتعالی فرموده است و ندا کنند اصحاب آتش اصحاب بهشت را که بریزید بر ما از آب یا از آنچه حقتعالی روزی کرده است شما را از اهل بهشت گویند بدرستی که خدا حرام کرده است اینها را بر کافران که دین خود را لهو و لعب و بازیچه گرفته‌اند و مغرور کرد ایشان را زندگانی دنیا پس امروز ترک میکنیم ایشان را چنانچه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز را و آیات ما را انکار میکردند.

فصل هیجدهم در بیان جماعتی است که داخل جهنم می‌شوند و جمعی که در آن مخلد می‌باشند و جمعی که در آن مخلد نمی‌باشند

بدان که خلافی نیست در آنکه اهل بهشت مخلد در بهشت خواهند بود و هر که داخل بهشت شود خواه بدون عذاب و خواه بعد از عذاب دیگر بیرون نخواهد آمد و خلافی نیست میان مسلمانان در آنکه کفار و منافقان که حجت بر ایشان تمام شده باشد مخلدند در عذاب جهنم و عذاب ایشان هرگز سبک نخواهد شد و آیات بسیار در این باب گذشت و اطفال و مجانین کفار البته داخل بهشت نمی‌شوند و گذشت که آیا داخل جهنم می‌شوند یا در اعراف خواهند بود یا تکلیف دیگر نسبت بایشان خواهد شد و جمعی از ضعفاء العقول که تمیز میان حق و باطل نتوانند کرد یا جمعی که دور از بلاد اسلام باشند و تفحص دین نتوانند کرد یا در زمان جاهلیت و فترت باشند و حجت بر ایشان تمام نشده باشد داخل مرجون لامر اللّه‌اند و احتمال نجات در باب ایشان هست و خلافی نیست در آنکه کسی که منکر یکی از ضروریات دین اسلام باشد در حکم کفار است و مخلد در نار است و ضروری دین اسلام آنست که بدیهی شده باشد در دین اسلام و هر که صاحب حق الیقین، ص: ۵۱۶ این دین باشد آن را داند مگر نادری مثل کسی که تازه مسلمان شده باشد و هنوز نزد او ضروری نشده باشد مانند نماز و روزه ماه مبارک رمضان و حج و زکاة و امثال اینها کسی که ترک اینها کند کافر نیست و کسی که ترک اینها را حلال داند کافر است و مستحق قتل است و همچنین اگر فعلی از او صادر شود که متضمن استخفاف بدین یا محرمات الهی باشد عمدا مثل آنکه عمدا مصحف مجید را بسوزاند یا در قازورات اندازد یا لگد بر آن بزند یا حقتعالی یا ملائکه یا یکی از انبیاء را دشنام دهد یا سخنی بگوید که متضمن استخفاف باشد خواه در نظم و خواه در نثر یا کعبه معظمه را خراب کند بیجهت یا عمدا در آن بول کند یا غائط و همچنین نسبت بروضات مقدسه حضرت رسول اللّه و ائمه استخفافی کند بقول یا بفعل یا تربت شریف حسین علیه السّلام را استخفافی کند قولا یا فعلا مثل آنکه العیاذ باللّه بآن استنجاء نماید یا نسبت بکتب حدیث شیعه استخفاف کند و بعضی کتب فقه شیعه را نیز چنین میدانند یا بیکی از عبادات که ضروری دین

است استهزاء و استخفاف نمايد يا بت يا غير بت را معبود خود قرار دهد و آن را بقصد عبادت سجده كند يا شعار كفار را كه متضمن اظهار كفر باشد ظاهر گرداند مثل آنكه زنار ببندد باين قصد و يا پيشانى خود را بروش هنود زرد كند بقصد اظهار شعار ايشان و بعضى ديگر در ضمن ضروريات دين مذكور خواهد شد ان شاء اللّه و اما غير شيعه اماميه از زيديه و سنيان و فطحيه و واقفيه و كيسانيه و ناووسيه و ساير فرق مخالفين اگر انكار يكى از ضروريات دين اسلام كنند آنها نيز كافر و نجس و مخلد در جهنم‌اند مانند خوارج كه بر امام زمان خروج كرده‌اند و ناسزا نسبت بائمه ميگويند مانند خارجيان عمان يا غلات كه ائمه را خدا دانند يا بهتر از پيغمبر دانند يا گويند خدا در ايشان حلول كرده است يا ايشان را خالق عالم دانند بنا بر بعضى از احاديث و نواصب كه عداوت با همه ائمه يا بعضى از ايشان داشته باشند زيرا كه وجوب محبت ايشان ضرورى دين اسلام است و از حضرت صادق عليه السّلام منقولست كه غسل مكن در جائى كه در آن جمع ميشود غساله حمام زيرا كه در آن غساله ولد زنا ميباشد و غساله ناصبى ميباشد و آن بدتر است از ولد زنا بدرستى كه حق تعالى خلقى بدتر از سگ نيافريده است و ناصبى نزد خدا خوارتر است از سگ و مجسمه كه خدا را جسم ميدانند از بلور يا بصورت پسر ساده ميدانند ايشان نيز كافر و مخلد در آتشند و در غير اينها از فرق مخالفان دو قسمند (اول) متعصبى چندند كه حجت بر ايشان تمام شده است و علم ببطلان مذهب خود نيز دارند و از براى تعصب و اغراض دنيويه انكار حق مينمايند يا باعتبار متابعت آباء و اسلاف بدين باطل قائل شده‌اند و قوت تميز ميان حق و باطل ندارند و خود را از اغراض باطله خالى نمى‌كنند كه حق بر ايشان حق اليقين، ص: ۵۱۷ ظاهر شود و تفحص دين حق نميكنند با آنكه قدرت بر آن دارند و (دويم) جماعتى چندند كه ضعيف العقلند و باعتبار ضعف عقل تميز ميان حق و باطل نميتوانند كرد يا در بلاد مخالفين‌اند و قدرت بر هجرت و تفحص دين حق ندارند يا در زمان فترت و يا جاهليت‌اند و اهل باطل غالبند و اهل حق از خوف پنهانند و حق بر ايشان ظاهر نشده است و امثال ايشان چنانكه اشاره به آنها شد اما جماعت دويم مشهور ميان علماء آنست كه ايشان داخل مرجون لامر اللّه‌اند نه حكم بكفر ايشان مى‌توان كردن و نه حكم بايمان ايشان در آخرت حال ايشان معلوم ميشود چنانكه حقتعالى فرموده است كه مستضعفان از زنان و مردان و پسران كه استطاعت حيله و چاره ندارند و هدايت نميابند راهى را پس اين جماعت شايد خدا عفو كند ايشان را و خدا عفوكننده و آمرزنده است و احاديث بسيار در تفسير اين آيه كريمه وارد شده كه مراد جماعتى چندند كه حيله بسوى كفر نميابند كه دانسته كافر شوند و راهى بسوى ايمان نمى‌يابند و ايشان اطفالند و آنها از مردان و زنان كه عقول ايشان مثل عقول كودكانست و بعضى گفته‌اند كه مستضعف كسى است كه ولايت اهل بيت و محبت ايشان دارد و بيزارى از دشمنان ايشان نمى‌كند و در بعضى از روايات وارد شده است كه هر كه اختلاف مذاهب را دانست و فهميد او مستضعف نيست و باز حقتعالى فرموده است كه جماعتى ديگر هستند كه تأخير كرده‌اند حكم ايشان را تا امر خدا در باب ايشان معلوم شود يا عذاب ميكند ايشان را يا توبه ايشان را قبول ميكند و ايشان را مرجون لامر اللّه ميگويند و در احاديث وارد شده است كه مراد گروهى چندند كه از شرك و بت‌پرستى در آمده‌اند و ايمان را بدل خود نشناختند كه داخل بهشت شوند و انكار نيز نكردند كه داخل جهنم شوند. و در محاسن از زراره بسند صحيح روايت كرده است كه از حضرت صادق عليه السّلام پرسيدند از قول حقتعالى كه هر كه حسنه‌اى بياورد از براى او است ده برابر آن آيا در باب كسى هست كه شيعه نباشد فرمود كه نه مخصوص مؤمنان است گفتم كسى كه نماز كند و روزه بدارد و اجتناب محرمات بكند و ورع نيكو داشته باشد و نه عارف باشد و نه ناصبى فرمود كه خدا ايشان را داخل بهشت ميكند برحمت خود و شيخ طوسى در كتاب غيبت روايت كرده است از كامل ابن ابراهيم كه گفت بخدمت حضرت امام حسن عسكرى عليه السّلام رفتم و در خواطر داشتم كه سؤال كنم آيا داخل بهشت ميشود كسى كه امامان خود را مثل آنكه من ميشناسم بشناسد و شيعه نباشد چون داخل شدم و سلام كردم نشستم نزديك درگاهى كه پرده در آن آويخته بود بادى آمد و گوشه پرده را برداشت جوانى بنظر من آمد مانند پاره ماهى و نزديك بچهار سال حق اليقين، ص: ۵۱۸ ميبايست داشته باشد مرا ندا كرد كه اى كامل بن ابراهيم بر خود لرزيدم و ملهم شدم گفتم لبيك اى سيد من گفت آمده‌اى بسوى ولى خدا و حجت او

و باب او که سؤال کنی که داخل بهشت نمیشود مگر کسی که مثل تو عارف و شیعه باشد گفتم بلی و اللّه از برای همین آمده‌ام فرمود که اگر چنین باشد کم کسی داخل بهشت خواهد شد بخدا سوگند که گروهی داخل بهشت میشوند که ایشان را حقیه میگویند گفتم ای سید من کیستند آنها فرمود گروهی‌اند که بسبب محبتی که با علی دارند قسم بحق او یاد میکنند و نمیدانند چیست حق او و فضل او و اما جماعت اول که متعصبان مخالفانند در باب ایشان خلافست بعضی گفته‌اند که ایشان در دنیا و آخرت هر دو حکم کافر دارند و نجس‌اند و در آخرت مخلد در جهنم‌اند سید مرتضی و جمعی باین قائلند و اکثر علمای امامیه را اعتقاد آنست که در دنیا حکم اسلام بر ایشان جاری است و در آخرت مخلد در جهنم‌اند و بعضی گفته‌اند بعد از دخول جهنم از جهنم بدر می‌آیند اما داخل بهشت نمیشوند و در اعراف خواهند بود و نادری قائل شده‌اند که بعد از عذاب طویل داخل بهشت میشوند و این قول نادر و ضعیف است. و علامه حلی در شرح یاقوت گفته است اما آنها که میگویند که نص خلافت بر حضرت امیر نشده است اکثر اصحاب ما قائلند که ایشان کافرند و بعضی گفته‌اند که ایشان فاسقند و آنها که قائلند که ایشان فاسقند خلاف کرده‌اند در حکم ایشان در آخرت اکثر گفته‌اند که ایشان مخلدند در جهنم و بعضی گفته‌اند که ایشان خلاص می‌شوند از عذاب و داخل بهشت می‌شوند و این قول نادر است نزد منصف و او قائل شده است که از عذاب خلاص می‌شوند اما داخل بهشت نمیشوند و روایاتی که دلالت بر کفر مخالفین میکند و آنکه ایشان مخلد در نارند و اعمال ایشان مقبول نیست از طرق عامه و خاصه متواتر است و قول باینکه ایشان مخلد در جهنم نیستند یا داخل بهشت می‌شوند قولی است در نهایت ندرت و قائل بآن معلوم نیست و آن در میان متأخرین متکلمین بهم رسیده است که خبری از اخبار و آثار و اقوال قدمای اخبار ندارند ابن بابویه در رساله عقاید گفته است که هر که دعوای امامت کند و امام نباشد ظالم و ملعونست و هر که امامت را بغیر اهلش قائل شود ظالم و ملعونست و حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فرموده است که هر که انکار کند امامت علی را بعد از من انکار پیغمبری من کرده است و هر که انکار پیغمبری من کند انکار پروردگاری خدا کرده است و گفته است اعتقاد ما در حق کسی که انکار امامت امیر المؤمنین و امامان بعد از او کند بمنزله کسی است که انکار پیغمبری پیغمبران کرده است و اعتقاد ما در باب کسی که اقرار کند بامامت امیر المؤمنین حق الیقین، ص: ۵۱۹ و انکار کند یکی از امامان بعد از او را بمنزله کسی است که ایمان بیاورد بجمیع پیغمبران و انکار کند پیغمبری محمد را و حضرت صادق علیه السّلام فرمود که منکر آخر ما مثل منکر اول ما است و حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود که امامان بعد از من دوازده نفرند اول ایشان حضرت امیر است و آخر ایشان حضرت قائم است اطاعت ایشان اطاعت من است هر که انکار کند یکی از ایشان را انکار من کرده است و حضرت صادق علیه السّلام فرمود که هر که شک کند در کفر دشمنان ما و ستم کنندگان بر ما کافر است و اعتقاد ما در آنها که با علی جنگ کرده‌اند مثل فرموده پیغمبر است هر که با علی قتال کند با من قتال کرده است و هر که با علی جنگ کند با من جنگ کرده است و هر که با من جنگ کند با خدا جنگ کرده است و سخن آن حضرت در حق علی و فاطمه و حسنین که من جنگم با هر که با ایشان جنگ کند و صلحم با هر که با ایشان صلح کند و اعتقاد ما در برائت آنست که بیزاری جویند از بت‌های چهارگانه یعنی أبو بکر و عمر و عثمان و معاویه و زنان چهارگانه یعنی عایشه و حفصه و هند و ام الحکم و از جمیع اشیاع و اتباع ایشان و آنکه ایشان بدترین خلق خدایند و آنکه تمام نمیشود اقرار بخدا و رسول و ائمه مگر به بیزاری از دشمنان ایشان. و شیخ مفید در کتاب المسائل گفته است که اتفاق کرده‌اند امامیه بر آنکه هر که انکار کند امامت احدی از ائمه را و انکار کند چیزی را که خدا بر او واجب گردانیده است از فرض اطاعت ایشان پس او کافر و گمراهست و مستحق خلود در جهنم است و در موضع دیگر فرموده است که اتفاق کرده‌اند امامیه بر آنکه اصحاب بدعتها همه کافرند و بر امام لازم است که ایشان را توبه بفرماید در وقتی که متمکن باشند بعد از آنکه ایشان را بدین حق بخواند و حجتها را بر ایشان تمام کند اگر توبه کنند از بدعتهای خود و براه راست بیایند قبول کند و الا ایشان را بکشد از برای آنکه مرتدند از ایمان و هر که از ایشان بمیرد بر آن مذهب او از اهل جهنم است و سید مرتضی در شافی و شیخ طوسی در تلخیص گفته‌اند که نزد ما امامیه

ثابت است که هر که جنگ کند با حضرت امیر او کافر است و دلیل بر این اجماع فرقه محقه امامیه است بر این و اجماع ایشان حجت است و ایضا میدانیم هر که با آن حضرت جنگ کند منکر امامت او خواهد بود و انکار امامت او کفر است همچنانکه انکار نبوت کفر است زیرا که مدخلیت هر دو در این باب بیک نحو است پس استدلال کرده‌اند باحادیث بسیار در این باب و شیخ زین الدین در رساله حقایق الایمان نیز سخن بسیار در این باب گفته است و معلوم میشود که کفر واقعی ایشان را اجماعی میداند و آنچه از اخبار در این باب ظاهر میشود آنست که غیر مستضعفین از مخالفان در احکام آخرت حق الیقین، ص: ۵۲۰ حکم کفار دارند و از جهنم بیرون نمی‌آیند و در دنیا نیز حکم کفار دارند اما چون خدا میدانست که دولت باطل بر دولت حق پیش از ظهور قائم غالب خواهد آمد و شیعیان را معاشرت و مواصلت و معامله با مخالفان ضرور خواهد شد در این دولتهای باطل اکثر احکام اسلام را بر ایشان جاری گردانید که جان و مال ایشان محفوظ بوده باشد و حکم بطهارت ایشان بکنند و ذبیحه ایشان را حلال دانند و دختران از ایشان بخواهند و میراث بایشان بدهند و از ایشان بگیرند و سایر احکام اسلام را برایشان جاری کنند تا بر شیعیان کار تنگ نشود در دولت ایشان و چون حضرت صاحب ظاهر شود حکم بت‌پرستان را بر ایشان جاری کند و در همه احکام مثل کفار باشند چنانچه شیخ مفید و شیخ شهید ثانی باین نحو تصریح کرده‌اند و باین وجه جمع میان همه احادیث میشود و ایضا ممکن است بگوئیم که چون در این زمان شبهه‌ای بر ایشان هست فی الجمله حکم اسلام بر ایشان در دنیا جاری میشود و در زمان حضرت قائم چون حق ظاهر صریح را که بمعجزات باهرات ظاهر شده است انکار میکنند حکم سایر کفار دارند و از جمله احادیثی که دلالت بر کفر ایشان میکند حدیث متواتره‌ای است که عامه و خاصه روایت کرده‌اند از رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله که هر که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد مرده خواهد بود بمرگ جاهلیت و از حضرت صادق علیه السّلام پرسیدند از معنی این حدیث فرمود که یعنی بر کفر و نفاق و گمراهی مرده است. و کلینی بسند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که سه کسند که حقتعالی نظر رحمت نمیکند بر ایشان در قیامت و عمل ایشان را قبول نمیکند و عذاب الیم از برای ایشان خواهد بود کسی که دعوای امامت کند و از جانب خدا منصوب نباشد و کسی که انکار کند امامی را که از جانب خدا منصوب شده است و کسی که گمان کند که این دو کس در اسلام بهره دارند و در احادیث بسیار تأویل آیاتی که در عذاب ابدی کفار و مشرکان وارد شده است باهل سنت و مخالفان کرده‌اند و ایضا در اخبار بی‌شمار وارد شده است که هر ناصبی هر چند سعی بسیار کند در عبادت داخل این آیه است عامِلَةٌ ناصِبَةٌ تَصْلی ناراً حامِیَةً یعنی عمل‌کننده و تعب کشنده است یا ناصبی است و ملازم آتشی خواهد بود گرم و سوزنده و در احادیث معتبره در علل و ثواب الاعمال وارد شده است که ناصبی آن نیست که دشمنی ما اهل بیت داشته باشد و هیچ‌کس نیست که بگوید که من دشمن محمد و آل محمدم و لکن ناصبی کسی است که با شما شیعیان دشمنی کند و داند که شما شیعه مائید و ولایت ما دارید و تبری از دشمنان ما میکنید و ابن ادریس در کتاب سرائر از کتاب مسائل محمد بن علی بن عیسی روایت کرده است که نوشتند حق الیقین، ص: ۵۲۱ بخدمت امام علی النقی علیه السّلام و سؤال کردند که آیا محتاج هستیم در دانستن ناصبی بر زیاده از این که أبو بکر و عمر را تقدیم کند بر امیر المؤمنین علیه السّلام و اعتقاد بر امامت آنها داشته باشد حضرت در جواب نوشت هر که این اعتقاد را داشته باشد او ناصبی است و ابن بابویه از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا فرمود که در شب معراج چون مرا بآسمان بردند حقتعالی بمن وحی کرد در باب محمد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسنین علیه السّلام و گفت ای محمد اگر بنده مرا عبادت کند بقدر آنکه مانند مشگ پوسیده بشود و بیاید بنزد من و انکار وجوب ولایت و امامت ایشان بکند ایشان را در بهشت خود ساکن نگردانم و در زیر عرش خود جای ندهم و در تفسیر امام حسن عسکری فرموده است در تفسیر این آیه بَلی مَنْ کَسَبَ سَیِّئَةً وَ أَحاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ فَأُولئِکَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ یعنی بلی هر که کسب کند گناهی را و احاطه کند باو خطای او پس ایشان اصحاب جهنم‌اند و همیشه در آن خواهند بود حضرت فرمود که گناهی که احاطه باو کند آنست که او را بیرون کند از دین خدا و نزع کند او را از ولایت و دوستی ما و ایمن گرداند او را از غضب خدا و

آن شرک بخداست و کفر بنبوت و کفر بولایت علی و خلفای او و هر یک از این‌ها سیئه‌ایست که باو احاطه کرده است یعنی احاطه باعمال او کرده است و همه را باطل و محو کرده است و عمل کننـدگان باین سیئه احاطه‌کننده اصحاب نارنـد و همیشه در جهنم خواهند بود و کلینی بسند معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده است در تفسیر این آیه کریمه هر که انکار کند امامت امیر المؤمنین را از اصحاب آتش است و همیشه در جهنم خواهد بود و عیاشی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که دشمنان علی در جهنم خواهند بود ابد الآباد و هرگز بیرون نخواهد آمد و در تفسیر فرات بن ابراهیم از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده است که حضرت امیر فرمود که چون روز قیامت شود منادی ندا کند از آسمان که کجا است علی برخیزم بمن گویند توئی علی گویم منم پسر عم پیغمبر و وصی او و وارث او پس بمن گویند راست گفتی داخل بهشت شو آمرزید خدا تو را و شیعه تو را و امان بخشید تو را و ایشان را از فزع اکبر قیامت داخل بهشت شوید ایمنان ترسی بر شما نیست امروز اندوهناک نخواهید شد هرگز و در علل از حضرت امام موسی علیه السّلام روایت کرده است که در وقت هر نماز که این خلق میکنند خدا ایشان را لعنتی میکند گفتند چرا فرمود برای آنکه انکار حق ما و تکذیب ما میکنند در امامت و در معانی الاخبار بسند معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السّلام بحمران گفت که ریسمان دین حق و ولایت اهل بیت را حق الیقین، ص: ۵۲۲ بکش میان خود و میان اهل عالم هر که مخالف تو باشد در ولایت و امامت اهل بیت زندیق است هر چند از نسل محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و علی و فاطمه علیهما السّلام باشد و بسند حسن کالصحیح دیگر فرمود که هر که مخالفت شما کند و از ریسمان ولایت بدر رود از او بیزاری بجوئید هر چند از نسل علی و فاطمه علیهما السّلام باشد و در عقاب الاعمال از آن حضرت روایت کرده است که حقتعالی علی علیه السّلام را نشانه میان خود و خلقش قرار داده است و بغیر او نشانی نیست هر که متابعت او کند مؤمنست و هر که انکار او کند کافر است و هر که شک در او کند مشرکست و ایضا از آن حضرت منقولست اگر انکار حضرت امیر علیه السّلام کنند جمیع هر که در زمین است خدا همه را عذاب کند و داخل جهنم کند و ایضا در اکمال الدین از حضرت کاظم علیه السّلام مروی است که هر که شک کند در معرفت امام هر زمان بشخص او و نعمت او کافر شده است بجمیع آنچه خدا فرستاده است و در کتاب اختصاص از حضرت صادق علیه السّلام منقولست که ائمه بعد از پیغمبر ما دوازده نجیبند که ملک با ایشان سخن میگوید هر که یکی از ایشان را کم کند یا زیاد کند از دین خدا بدر میرود و بهره‌ای از ولایت ما ندارد و در تقریب المعارف روایت کرده که آزاد کرده حضرت علی بن الحسین علیه السّلام از آن حضرت پرسید که مرا بر تو حق خدمتی هست مرا خبر ده از حال أبو بکر و عمر حضرت فرمود هر دو کافر بودند و هر که ایشان را دوست دارد کافر است. و ایضا روایت کرده است که ابو حمزه ثمالی از آن حضرت از حال أبو بکر و عمر سؤال کرد فرمود که کافرند و هر که ولایت ایشان را داشته باشد کافر است و در این باب احادیث بسیار است و در کتب متفرق است و اکثر در بحار الأنوار مذکور است و اما اصحاب کبائر از شیعه امامیه که گناهان کبیره کرده باشند و بی‌توبه مرده باشد خلافی نیست میان علمای امامیه که ایشان مخلد در جهنم نخواهند بود و شفاعت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و ائمه البته باکثر ایشان ملحق خواهد شد چنانکه گذشت و اما آنکه آیا بعضی از ایشان ممکن است داخل جهنم شوند و شفاعت بایشان ملحق نگردد یا آنکه بفضل خدا هیچ‌یک داخل جهنم نمیشوند و عقاب ایشان یا در دنیا است یا در وقت مردن یا در قبر یا در محشر و احادیث در این باب اختلاف و ایهام بسیار دارد و گویا سبب اختلاف و ایهام آنست که شیعه جرأت بر ارتکاب کبایر و معاصی ننمایند و معتزله اهل سنت را اعتقاد آنست که اصحاب کبایر در جهنم خواهند بود و احادیث و اخبار در نفی این قول بسیار است چنانکه ابن بابویه بسند حسن کالصحیح از حضرت کاظم علیه السّلام روایت کرده است که مخلد در جهنم نخواهد بود احدی مگر اهل کفر و انکار و اهل ضلال و اضلال و شرک و کسی که اجتناب از گناهان کبیره کرده باشد از مؤمنان او را از گناهان صغیره سؤال نمیکنند حق حق الیقین، ص: ۵۲۳ تعالی میفرماید اگر اجتناب کنید از کبایر آنچه نهی کرده‌اند شما را از آن تکفیر میکنیم و می‌آمرزیم از آن گناهان شما را و داخل میکنیم شما را در مدخل و منزل نیکوئی گرامی راوی گفت یا بن رسول اللّه پس شفاعت

از برای کی لازم و واجب میشود از مؤمنان فرمود که خبر داد مرا پدرم از پدرش علی علیه السّلام که گفت شنیدم از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که نیست شفاعت من مگر از برای اهل کبایر از امت من و اما نیکوکاران پس بایشان راه اعتراضی نیست و احتیاج بشفاعت ندارند راوی گفت چگونه شفاعت از برای اهل کبایر میباشد و حال آنکه حقتعالی میفرماید وَ لا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضى یعنی شفاعت نمیکنند شفاعت کنندگان مگر از برای کسی که پسندیده باشد و کسی که مرتکب کبایر میشود پسندیده نیست حضرت فرمود هیچ مؤمنی نیست که ارتکاب گناهی بکند مگر آنکه بد می‌آید او را این فعل و پشیمان میشود از آن و حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود که بس است پشیمانی از برای توبه فرمود که هر که شاد کند او را حسنه او و آزرده کند او را گناه او پس او مؤمن است پس کسی که پشیمان نشود از گناهی که مرتکب او میگردد پس او مؤمن نیست و از برای او شفاعت واجب نیست و ظالم بر نفس خود خواهد بود و حقتعالی میفرماید که نیست در قیامت ظالمان را دوستی و نه شفیعی که سخن او را شنوند و اطاعت او کنند راوی گفت یا رسول اللّه بچه جهت مؤمن نیست کسی که پشیمان نشود بر گناهی که مرتکب آن گردد حضرت فرمود زیرا که هر که مرتکب شود کبیره‌ای از گناهان را داند بعلم یقین که او را وعید عقاب کرده‌اند البته پشیمان میشود بر آنچه کرده است و هرگاه پشیمان شود تائب خواهد بود و مستحق شفاعت خواهد گردید و هرگاه نادم بر آن نباشد مصر خواهد بود و مصر آمرزیده نمیشود برای آنکه مؤمن نیست و باور نکرده است عقوبت گناهی را که مرتکب شده است و اگر ایمان بعقوبت می‌داشت البته پشیمان میشد و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلم فرموده که کبیره نیست با استغفار و صغیره نیست با اصرار و اما آنکه خدا فرموده است وَ لا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضى یعنی شفاعت نمیکنند مگر آن کسی را که خدا دین او را پسندیده باشد و دین اقرار بخداست بر حسنات و سیئات یعنی در دین داخل است و کسی که خدا دین او را پسندیده باشد البته پشیمان می‌شود بر آنچه مرتکب شده است بر گناهان خود چون میداند عاقبت آن را در قبر و قیامت و در تفسیر عسکری علیه السّلام مذکور است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلم فرمود که ولایت علی علیه السّلام حسنه‌ایست که بآن ضرر نمیکند چیزی از سیئات هر چند بزرگ باشد مگر آنکه باهلش میرسد از تطهیر گناهان بمحنتهای دنیا و ببعضی از عذاب در آخرت تا آنکه نجات بیابد از آن بشفاعت موالی طیبین و محبت علی علیه السّلام و مخالفت آن حضرت سیئه حق الیقین، ص: ۵۲۴ ایست که نفع نمیکند بآن هیچ چیز مگر آنکه منتفع میشوند در دنیا بسبب طاعتهای خود بنعمت و صحت و فراخی روزی و چون وارد آخرت میشوند بغیر عذاب چیزی از برای ایشان نخواهد بود پس فرمود کسی که انکار ولایت و امامت علی علیه السّلام کند بچشم خود هرگز بهشت را نخواهد دید مگر در وقتی که از برای زیادتی حسرت او منزل او را در بهشت باو بنمایند که اگر مؤمن میبودی و موالات علی علیه السّلام میداشتی جای تو اینجا بودی و کسی که ولایت علی علیه السّلام و اقرار بامامت او داشته باشد و بیزاری جوید از دشمنان او و انقیاد نماید دوستان او را آتش را بچشم خود نخواهد دید مگر در وقتی که جای او را در جهنم باو مینمایند و میگویند اگر شیعه و موالی علی علیه السّلام نبودی جای تو اینجا بودی مگر آنکه اگر گناه بسیار داشته باشد او را در جهنم عذاب کنند آن قدر که از کثافت گناه پاک شود مثل آنکه آدم چرکین بدن خود را در حمام از چرک پاک کند پس بشفاعت موالی و امامان خود از جهنم بیرون می‌آید و حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود که از خدا بترسید ای گروه شیعه و بدانید که بهشت از شما فوت نمیشود هر چند بسبب قبایح اعمال شما دیر بدست شما آید پس سعی کنید بطاعات و عبادات در زیادتی و رفعت درجات بهشت گفتند آیا داخل جهنم میشود احدی از محبان تو و محبان علی علیه السّلام فرمود کسی که چرکین کرده باشد نفس خود را بمخالفت محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و علی علیه السّلام و مرتکب محرمات شده باشد و ستم بر مردان مؤمن و زنان مؤمنه کرده باشد و مخالفت کرده باشد شرایعی را که برای او مقرر کرده باشند بیاید در روز قیامت کثیف و چرک آلوده و نجس پس گویند باو محمد و علی علیه السّلام که تو چرکین و نجسی و صلاحیت رفاقت نیکان و معانقه حوریان و مصاحبت ملائکه مقربان نداری مگر آنکه تو را پاک کنند از این کثافات پس او را داخل میکنند در طبقات بالای جهنم و ببعضی از گناهان